

انتقالی در سطح متوسطی قرار دارند. طبق آخرین آمار (۲۰۰۶)، مخارج دولت برابر ۲۲/۷ درصد محصول ناخالص داخلی بوده است. بیش از ۵۰۰ شرکت دولتی تحت مالکیت دولت هستند و بیش از ۱۰۰۰ شرکت دارای مالکیت شبه دولتی می‌باشند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۵ دولت ایران ۳۱/۴ درصد از محصول ناخالص داخلی کشور را به مصرف رسانده است. این شاخص در مدت مشابه گذشته برابر ۵۹/۸ درصد بوده است که یک بهبود ۲۸/۴ درصدی را نسبت به آن سال نشان می‌دهد.

#### آزادی پولی: ۶۱/۳ امتیاز

قیمت‌های نسبی ناپایدار، بخش عمده‌ای از امتیاز آزادی پولی را توضیح می‌دهد. دولت ایران، کالاهایی نظیر محصولات و فرآورده‌های نفتی، برق، آب و گندم را قیمت‌گذاری می‌کند. همچنین، دولت هر سال یارانه عظیمی پرداخت کرده و قیمت کالاها و خدمات را از طریق قوانین و سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و کنترل می‌کند. بنابراین به دلیل مداخله در قیمت‌ها و قیمت‌گذاری دولتی، از امتیاز آزادی پولی ایران ۱۵ درصد بیشتر کاسته شده است.

#### آزادی سرمایه‌گذاری: ۱۰ امتیاز

سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های بانکداری، مخابرات و حمل و نقل ایران محدود است. ولی اخیراً دولت ایران به غیر از صنایع نظامی و امنیتی و شرکت ملی نفت ایران، مجوز فروش ۶۵ درصد سهام شرکت‌های دولتی را صادر کرده است. این در حالی است که قانون اساسی ایران به خارجی‌ها اجازه نمی‌دهد امتیاز و سهام کامل پروژه‌های نفت و گاز این کشور را در اختیار داشته باشند. ظاهراً دولت رؤسای چند بانک و مؤسسه دولتی را به دلیل حمایت از خصوصی‌سازی مرخص کرده است. ریسک‌های سیاسی و ترس درباره تحریم‌های بین‌المللی، مانع از سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در ایران می‌شود. مجلس ایران نیز با استفاده از اختیار قانونی خود مبنی بر وتوی سرمایه‌گذاری‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاران خارجی، بیشترین سهم شرکت‌ها و پروژه‌های ایرانی را تصاحب می‌کنند، تا به حال دو پروژه سرمایه‌گذاری خارجی را وتو کرده است.

#### آزادی مالی: ۱۰ امتیاز

نظام حاکم بر بانکداری در ایران، بانکداری بدون ربا است که در آن، دریافت و پرداخت بهره مجاز نیست. به بانک‌های خارجی در ایران اجازه فعالیت داده نمی‌شود و تنها در مناطق آزاد تجاری فعالیت می‌کنند. بخش بیمه ایران نیز توسط پنج شرکت بیمه دولتی اداره می‌شود.

البته از سال ۲۰۰۵ بدین سو، پنج شرکت بیمه خصوصی کوچک و یک شرکت بیمه خارجی، به بخش بیمه ایران اضافه شده‌اند. اما نظارت بر بخش مالی ایران ضعیف است.

خود این صنایع باید به بهره‌وری و تکنولوژی، اهمیت بیشتری بدهند.

اقتصاد ایران: با جمع‌بندی مطالب بفرمایید که نتایج و آثار بهبود فضای کسب و کار در کوتاه‌مدت و بلندمدت به چه صورت خواهد بود؟

با بهبود فضای کسب و کار، درآمد و رفاه مردم بالا می‌رود و رضایتمندی مردم افزایش پیدا می‌کند. همه اینها موجبات افزایش محصول ناخالص ملی و رشد اقتصاد را فراهم می‌کند.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

نیاز است. ما در هر قسمت مشکل داریم. مقررات موجود اکثراً ناکارآمد هستند. در بعضی از این مقررات، ماده‌هایی وجود دارد که کل مطلب را از بین می‌برد و تأثیر منفی می‌گذارند. باید یک نگرش کلی صحیح داشته باشیم. فرهنگ و اندیشه ما باید تغییر پیدا کند. باید از سرمایه‌ها، نیروی انسانی و امکانات، به بهترین نفع نگهداری و استفاده کرد تا شاهد اتلاف منابع نباشیم. از طرف دیگر، واحدهای صنعتی، بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های دولت و شرایط محیطی قرار دارند و لذا متناسب با فضایی که به وجود آمده است رفتار می‌کنند. ولی با وجود همه این موضوعات،

### آزادی اقتصادی ایران در نگاه خارجی‌ها

## اقتصاد غیر آزاد

با وجود اقدامات صورت گرفته در کشور جهت آزادسازی اقتصادی، سرعت آن پایین‌تر از روند جهانی بوده و لذا جایگاه کشورمان تنزل پیدا کرده است.

نتیجه ارزیابی بنیاد هریتج از آزادی اقتصاد ایران، ارایه نمره ۴۳/۸ و کسب رتبه ۱۵۱ در بین ۱۵۷ کشور جهان می‌باشد. این در حالی است که در سال گذشته، ایران با نمره ۴۳/۱ در رتبه ۱۵۰ از منظر آزادی اقتصادی قرار گرفته بود.

طبق آخرین تحقیقات و ارزشیابی بنیاد هریتج، اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۸ به میزان ۰/۷ واحد بالاتر از امتیاز سال گذشته برخوردار شده که نشان دهنده آزادی بیشتر اقتصادی کشورمان از دیدگاه این مؤسسه است. البته این در حالی است که ایران از جایگاه یکصد و پنجاهمین در سال ۲۰۰۷ به جایگاه یکصد و پنجاه و یکمین اقتصاد آزاد در سال ۲۰۰۸ افول کرده است. اقتصاد ایران تنها در یکی از ۱۰ فاکتور آزادی اقتصادی بنیاد هریتج، از امتیاز خوبی برخوردار شده است. وجود نرخ‌های مالیات بردرآمد که بالاترین آنها ۳۵ درصد می‌باشد و نرخ مالیات شرکتی ۲۵ درصد، وضعیت مالیاتی ایران را در حالت مطلوبی قرار داده است.

ولی به طور کلی، اقتصاد ایران از جهات گوناگون، آزاد نمی‌باشد. شاخص‌های ایران از لحاظ آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و رهایی از فساد، همگی پایین هستند.

#### آزادی محیط کسب و کار: ۵۵ امتیاز

شروع یک کسب و کار در ایران ۴۷ روز به طول می‌انجامد، در حالی که متوسط جهانی مدت زمان آغاز یک فعالیت تجاری ۴۳ روز است.

#### آزادی تجاری: ۵۷/۴ امتیاز

در این زمینه می‌توان به قوانین و مقررات متعدد و دست و پاگیر، پروسه گمرکی پیچیده و

ممنوعیت‌های وارداتی گسترده‌ای که منجر به کاهش ۱۵ درصدی امتیاز آزادی تجاری ایران می‌شود، اشاره کرد.

#### آزادی مالیاتی: ۸۱/۱ امتیاز

بالاترین نرخ مالیات بر درآمد ایران ۳۵ درصد و بالاترین نرخ مالیات شرکتی آن ۲۵ درصد می‌باشد. مالیات بر قراردادهای و مالیات فروش نیز از دیگر انواع مالیات‌های ایران هستند. در سال‌های اخیر، درآمدهای مالیاتی ایران به عنوان درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) معادل ۶ درصد بوده است.

#### آزادی از اقتصاد دولتی: ۸۴/۵ امتیاز

کل مخارج دولت شامل مصرف و پرداخت‌های

### آزادی‌ها و بندهای اقتصادی

رتبه	شاخص	امتیاز ۲۰۰۷	امتیاز ۲۰۰۸
۱	آزادی کسب و کار	۵۴/۹	۵۵/۰
۲	آزادی تجاری	۵۰/۴	۵۷/۴
۳	آزادی مالیاتی	۸۴/۸	۸۱/۱
۴	آزادی از اقتصاد دولتی	۵۹/۸	۸۴/۵
۵	آزادی پولی	۶۱/۳	۶۱/۳
۶	آزادی سرمایه‌گذاری خارجی	۱۰	۱۰
۷	آزادی مالی	۱۰	۱۰
۸	آزادی مالکیت	۱۰	۱۰
۹	آزادی از فساد	۲۹	۲۷
۱۰	آزادی در بازار کار	۶۱/۲	۶۱/۲
	نمره کل ایران	۴۳/۱	۴۳/۸
	طبقه ایران	تحدید شده	تحدید شده
	رتبه در بین ۱۷ کشور عضو مینا	۱۶	۱۶
	رتبه در بین ۱۵۷ کشور جهان	۱۵۰	۱۵۱

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از بنیاد هریتج، ۲۰۰۸.



درآمدهای حاصل از فروش نفت، متغیر بسیار مهم در دست دولت است بنابراین، افراد و واحدهایی که خود را به درآمد نفت نزدیک می‌کنند می‌توانند موفقیت بیشتری در این زمینه کسب نمایند.

● دولت ما باید بداند که ایران، تافته جدا بافته از کل دنیا نیست. دولت باید بداند که ایران نباید تجربیات شکست خورده دیگر کشورها و خود ایران را مجدداً آزمایش کند. دولت باید بستر ساز فعالیت‌های اقتصادی در جامعه باشد. با توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تصدی‌گری دولت در اقتصاد باید به کمتر از ۲۰ درصد تقلیل یابد و بنابراین، باید اقدامات اساسی برای ایجاد و تقویت بخش خصوصی توسط دولت به عمل آید و همت خود را بر خصوصی‌سازی واقعی اقتصاد قرار دهد.

دولت نباید در پشت درهای بسته به تصمیم‌گیری بپردازد و با امر و نهی‌های غیر معقول، بخش خصوصی را وادار به انجام کار نماید. لازمه خصوصی‌سازی، مشارکت بخش خصوصی در تمام فرآیندهای تصمیم‌گیری اقتصاد می‌باشد. بنابراین در هر کانون تصمیم‌گیری اقتصادی باید نمایندگان بخش خصوصی هم حضور داشته باشند.

اگر دولت به جای تصدی‌گری، در جهت اعمال وظیفه حاکمیتی خود قدم بردارد، بیشتر می‌تواند منشأ اثر مفید باشد. بدین معنی، جهت‌گیری دولت باید تأمین امنیت اقتصادی - هم برای تولیدکننده و هم برای مصرف‌کننده - باشد. تولیدکننده باید در راستای یک نظام اقتصادی روشن و دقیقاً تبیین شده، به فعالیت تولیدی کالا و خدمات بپردازد و دولت باید مواظب حقوق مصرف‌کننده در رعایت کیفیت کالا و خدمات باشد.

دولت باید بداند که قانون برنامه توسعه، یک قانون پنج ساله است و باید مجری آن باشد، نه آن که قوانین را با سلیقه خود تفسیر و اجرا کند یا معلق سازد. بالاخره، نفت باید از مالکیت دولت به مالکیت عمومی تغییر یابد و دولت تلاش کند مانند بسیاری از کشورهای جهان، از منابع مالیاتی و سایر درآمدها، هزینه‌های خود را تأمین نماید. ■

فساد در بین ۱۶۳ کشور، کسب کرده است. سوء استفاده و اختلاس در کشور گسترده و در حال گسترش است. کمتر از ۱۰۰۰ بازرس و ناظر به کنترل و نظارت بیش از ۲/۵ میلیون کارمند دولتی و تعداد بیشمار پیمانکاران دولتی که اقتصاد ایران را در دست دارند، می‌پردازند.

آزادی در بازار کار: ۶۱/۲ امتیاز

هزینه استخدام و دستمزد یک کارگر در ایران بسیار بالا است. از طرفی، اخراج یک کارگر بسیار پرهزینه بوده و نیازمند تأییدیه شوراها و اسلامی کار یا هیأت تشخیص می‌باشد. ■

آزادی مالکیت خصوصی: ۱۰ امتیاز

اکثر شرکت‌های خارجی، از حل و فصل دعاوی خود در دادگاه‌های ایران به دلیل زمان بر بودن آن رضایت ندارند. قوانین محدودی در زمینه حمایت از حقوق ابداعات، نوآوری‌ها و کپی رایب وجود دارد. سرقت نرم‌افزاری به شدت رایج است و تخلفات زیادی در زمینه کپی برداری از طرح و مارک تجاری دیگر کشورها وجود دارد.

آزادی از فساد: ۲۷ امتیاز

در گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۰۶، ایران رتبه ۱۰۵ را از لحاظ میزان شفافیت و

## گره‌های کور دولتی

فضای کسب و کار در ایران از دید دکتر محمدباقر بهشتی، عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز

۱) تصویب قانون جذب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی  
 ۲) تهیه چشم‌انداز بیست ساله کشور و تأکید بر تعامل سازنده و مفید با جهان خارج در آن  
 ۳) تصمیم‌گیری در مورد الحاق به سازمان تجارت جهانی  
 ۴) تصویب قانون برنامه چهارم توسعه و تأکید بر اقتصاد رقابتی در آن  
 ۵) تهیه و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی با وجود این، به لحاظ غلبه تفکر نفتی بر مجموعه دولت و برداشت ذهنی تصمیم‌گیرندگان دولتی از واقعیت‌های دنیای خارج و نگاه امنیتی و سیاسی به اقتصاد، هنوز گره‌های اساسی اقتصاد ایران باز نشده است. علیرغم محدود شدن سهم اقتصاد دولتی حداکثر به ۲۰ درصد در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، جلوی گسترش واحدهای دولتی حتی فراتر از قانون اساسی هم گرفته نشده است.

بنابراین، جنبه‌های ضعف فضای کسب و کار را دولتی بودن اقتصاد، تأثیر منفی نفت در نوع نگرش دولتمردان به اقتصاد، سیاسی و امنیتی دیدن اقتصاد، تبیین نشدن حدود مالکیت بخش خصوصی، تغییر مکرر قوانین و مقررات توسط دولت و ناامن کردن اقتصاد توسط دولتمردان می‌توان برشمرد.

در طرف مقابل، جنبه‌های قوت فضای کسب و کار کشورمان را می‌توان وجود نیروهای بالقوه مناسب و آماده کار یا نیروهای تربیت‌پذیر و همین‌طور، وجود منابع نفت و گاز در کشور دانست که اگر دولت توسعه‌گرا در کشور روی کار بیاید، می‌تواند همه این نیروها و امکانات را در جهت رونق اقتصادی کشور بسیج کند، به طوری که فرهنگ سرمایه‌گذاری و تلاش و کار به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شود.

● افراد و واحدهای موفق، در واقع با شناخت تهدیدها و فرصت‌های فضای کسب و کار، تأثیرگذاران بر این فضا را شناسایی می‌کنند و از طریق ارتباط با آنان، از فرصت‌ها استفاده می‌نمایند. از آنجایی که

محیط کسب و کار برای یک فعالیت اقتصادی به «محیط بیرونی» واحدهای اقتصادی اطلاق می‌شود که عوامل زیر در تشکیل آن اثر دارند: شبکه تأمین مواد اولیه، منابع انسانی، تأمین منابع پولی، حاکمیت و کارایی دولت، فضای فن‌آوری، فضای اقتصاد کلان، فضای اجتماعی و سیاسی، فضای بین‌المللی و دسترسی به بازارهای سرمایه (داخلی و خارجی).

در همین راستا، واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» با پرسمانی از یکی از صاحب‌نظران ارشد کشور به بررسی این موضوع پرداخته است. سؤالات و پاسخ‌های مربوطه به شرح زیر هستند:

۱) ارزیابی شما از نقاط ضعف و قدرت فضای کسب و کار در ایران چیست؟

۲) به نظر شما، عوامل موفقیت برخی از افراد و واحدهای موفق در فضای کسب و کار کونونی چه می‌باشد؟

۳) چه راهکارهایی در مورد سیاست‌گذاری در حوزه فضای کسب و کار توسط دولت پیشنهاد می‌فرمایید؟

● فضای کسب و کار در هر جامعه را نظام اقتصادی آن کشور مشخص می‌کند. نظام اقتصادی ایران در قانون اساسی به گونه‌ای طراحی شده بود که دولت را به عنوان کارفرمای بزرگ اقتصادی تعریف کرده و به بخش خصوصی، به عنوان بخش باقیمانده نظر کرده بود.

تجربیات کشورهای مختلف جهان، نادرستی این گونه نگاه به اقتصاد را به اثبات رساند و با ابتکار و دلسوزی مقامات، استادان و کارشناسان طرفدار توسعه کشور، اقدامات مناسبی برای ایجاد فضای مناسب کسب و کار به عمل آمد که موارد ذیل از جمله آنها است: